

نسخه‌ای تورانشاهی کلیات سعدی

یکی از نسخه‌های خطی نادر که در مرکز میکروفیلم نور، خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، دهلی‌نو، نگهداری می‌شود، نسخه‌ای از کلیات سعدی است. مالک این نسخه شاه مصطفی احمد بر صفحه اول یک نظم هندی نوشته است که این‌طور شروع می‌شود:

نیت رو نیا و کھائیوالا^۱

علاوه بر این، نسخه نامبرده دارای چند مهر است که کسی آنها را خراب کرده است. گذشته از این بر ورق ۴۲۲ این عبارت است:

”مدارالملک هدایت احمد... به قلم معین‌الدین احمدی ۱۲۶۵ هجری“.

معین‌الحافظ نسخه نامبرده را در ماه شعبان در سال ۷۷۰ هجری (۱۳۶۹ م) به خط ریز مخلوط از نسخ و نستعلیق و شکسته برای تورانشاه^۲، وزیر شاه شجاع^۳ کتابت کرده است. در یک صفحه به خط مطلقاً و مذهب جلی نسخ، القاب و آداب ذیل تورانشاه کتابت گردیده است. متأسفانه دو سطر اول کلاً از بین رفته است:

”الشیخ العارف، قدوة الارباب محققین، املح فصحاء المتکلمین، مشرف الملة و الدین، مصلح السعدی، رحمة الله الیه (علیه) بالامرالعالم، المنخدوم الاعظم، الصاحب الاعلم، مشید معانی الجود و الکریم، افخیم اعظم الوزرا، مؤید صنایدالوری، ناصب اعلام المجد و الکیمال و الجلال، رافع اعلام المجد و الکیمال، ملأذ بریة الاله،

۱. راهنمای همیشه نو.

۲. وفات: ۷۸۷ هـ/ ۱۳۸۵ م.

۳. ۷۸۶-۷۵۹ هـ/ ۱۳۸۴-۱۳۵۸ م.

جلال الدین و الدین، تورانشاه، خلدالله ظلال عاطفته و مرحمته علی كافة الانام و اعلا شأنه“.

اکنون درباره شخصیت تورانشاه مختصراً از کتاب دکتر قاسم غنی نقل می‌شود: “جلال الدین تورانشاه از ۷۶۶ (هجری) تا سال وفات شجاع یعنی ۷۸۶، از وزرا و مقربان و محارم درگاه او بود. تا آنجا که شاه شجاع در مرض مرگ خود... سفارش او بر ولیعهد خویش سلطان زین‌العابدین می‌کرد. چند ماهی هم در دوره سلطان زین‌العابدین از رجال درجه اول دربار سلطنت بود، تا آنکه در روز سه‌شنبه، بیست و یکم صفر ۷۸۷ هجری وفات یافت”^۱.

“خواجه جلال‌الدین تورانشاه، یکی از ممدوحین خواجه حافظ است که مکرر مورد مدح او واقع شده و اضافه بر چندین غزل و قطعه که صریحاً نام او در آنها برده شده است، به‌ظن قوی یک قسمت از غزل‌هایی که نام آصف عهد، آصف دوران، خواجه آصف ثانی، آصف ملک سلیمان... دارد، راجع به‌اوست. از مجموع این مدایح به‌دست می‌آید که وزیر مذکور به‌خواجه حافظ محبت داشته و در مدت طولانی وزارت خود همیشه به‌او نیکی نموده است”^۲.

یکی از مزایای نسخه نامبرده در داشتن «ذ» فارسی است که مرتب در کتابت صرف شده است.

اکنون محتویات نسخه تورانشاه به‌ترتیب ذکر می‌شود. در این زمینه از دو کتاب معتبر و مستند ذیل استفاده گردیده است:

۱. کلیات سعدی، مطابق نسخه تصحیح شده محمد علی فروغی، مؤسسه انتشارات نگاه، تهران، ۱۳۷۲ ه.ش.
۲. کلیات سعدی، با ترجمه قصاید عربی، با مقدمه آقای عباس اقبال آشتیانی، پاریس، دی‌ماه ۱۳۱۶ ه.ش، نقل از شماره ۱۲-۱۱، هفتمین سال مجله «تعلیم و تربیت».

۱. غنی، دکتر قاسم: تاریخ عصر حافظ، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۶۶ ه.ش، ص ۲۶۸.

۲. همان، ص ۲۱۸.

علاوه بر این گاه‌گاهی از یک نسخه چاپی بمبئی (علی بهائی شرف علی ایند کمپنی، مالکان مطبع محمدی، بمبئی، رجب ۱۳۸۱ ه/دسامبر ۱۹۶۱ م) نیز استفاده شده است. نسخه تورانشاهی کلاً نقل از قدیم‌ترین نسخه خطی کلیات سعدی است که در سال‌های ۷۲۶ و ۷۳۴ هجری (۳۴-۱۳۲۶ م) کتابت گردیده است. حتی مقدمه این نسخه از آنجا گرفته شده است که در نسخه آشتیانی هم موجود است. اما پس از اتمام مقدمه، کاتب این نسخه اضافه‌ای کرده است که در نسخه آشتیانی نیست:

”پس بدان ای عزیز که بر بیست و دو کتاب نهاده بود و رساله شانزده کتاب و شش رساله، بعضی هفت رساله نوشته بودند، سبب آنک رساله مجلس هزل هم در اول اضافه رسالات کرده بودند. بنده این رساله از اول کتاب به آخر برد و داخل منشآت و مطیبات کرد که در اول خوش نمی‌بود، تا بیست و دو شد. و باقی را هیچ تصرف نکرد و هم بدان ترتیب به اتمام رساند.“

پس از مقدمه، فهرست رسالات مشتمل بر شش رساله ذیل است:

| الاوّل | الثانی | الثالث |
|--|------------------|--------------------|
| در تقریر دیباچه | در مجالس پنجگانه | در سؤال صاحب دیوان |
| الرابع | الخامس | السادس |
| در عقل و عشق | در نصیحت‌الملوک | در رسالات ثلاثه |
| بعد از آن این سه هستند: | | |
| اوّل | دوّم | سوّم |
| سلطان اباق | ایکتا نو | ملک تاریلو |
| در قسمت گلستان، نسخه‌های فروغی و آشتیانی این سطر را دارند که در نسخه خطی نیست: | | |

چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان

چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان

علاوه بر این نسخه‌های فروغی و آشتیانی شامل مصرع ذیل اند:

کمال هم‌نشین در من اثر کرد

در صورتی که در نسخه تورانشاهی «جمال هم‌نشین در من اثر کرد» است.

گذشته از این نسخه‌های فروغی و آشتیانی شامل این حکایت است که در نسخه تورانشاهی نیست:

«یکی از مشایخ شام را پرسیدند از حقیقت تصوف»^۱.

نسخه‌های فروغی و آشتیانی دارای واژه «حکایت» است، در صورتی که در نسخه تورانشاهی به جای «حکایت» عنوان «خشک‌سالی در اسکندریه» است.

نسخه‌های فروغی و آشتیانی، دارای دو بیت ذیل‌اند که در نسخه تورانشاهی نیست:

گر گزندت رسد تحمل کن که به‌عفو از گناه پاک شوی

*

ای برادر چو خاک خواهی شد خاک شو پیش از آن که خاک شوی

در حکایت دو درویش خراسانی این بیت سوم که در نسخه تورانشاهی هست در نسخه‌های فروغی و آشتیانی نیست:

تنور شکم دم به‌دم تافتن مصیبت بود روز نیافتن

در باب پنجم نسخه‌های فروغی و آشتیانی عبارت ذیل آمده:

یکی دوستی را که زمانها ندیده بود گفت «کجایی که مشتاق بوده‌ام». گفت: «مشتاقی به‌که ملولی».

در صورتی که در نسخه‌های نامبرده همین عبارت این طور است:

یکی از دوستان را که زمانها ندیده بود، گفت: «کجایی که مشتاق بوده‌ام». گفت: «مشتاق به‌که ملول».

در بوستان، نسخه‌های فروغی و آشتیانی لفظ «حکایت» را به‌طور عنوان دارند، در صورتی که در نسخه تورانشاهی عنوان این حکایت داده شده است، مثل:

پند دادن هرمز، کسری را در تعریف خدمتکاران قدیم.

حکایت تدبیر پادشاهان و تأخیر در سیاست، در شناختن ملوک دوست و دشمن را، در معنی شفقت ملوک بر مسکینان، در قسمت قصاید، نسخه‌های فروغی و آشتیانی شامل قصاید ذیل می‌باشند که در نسخه تورانشاهی دیده نمی‌شود:

۱. نسخه آشتیانی: «یکی از مشایخ را پرسیدند که حقیقت تصوف چیست».

تغزل و ستایش صاحب دیوان:

من آن بدیع صفت را به‌ترک چون گویم
در ستایش ترکان خاتون و پسرش اتابک محمد:
چه دعا گویمت ای سایه میمون همای

تغزل و ستایش صاحب دیوان:

شبی و شمعی و گوینده‌ای و زیبایی
در ستایش ابوبکر بن سعد:
وجودم به‌تنگ آمد از جور تنگی

علاوه بر این، قصیده ذیل نسخه فروغی در نسخه‌های تورانشاهی و آشتیانی پیدا نیست:

تغزل در ستایش شمس‌الدین محمد جوینی صاحب دیوان:
نظر دریغ مدار از من ای مه منظور

عنوان «الملمعات» که در نسخه تورانشاهی و آشتیانی موجود است، در نسخه فروغی نیست. برخلاف این، عنوان «المثلثات» در نسخه‌های تورانشاهی و فروغی موجود است و در نسخه آشتیانی گنجانیده نشده است.

بزرگترین ارزش نسخه تورانشاهی در داشتن مقطعات و رباعیات و متفرقات ذیل است که در نسخه‌های فروغی و آشتیانی گنجانیده نشده است. در اینجا فقط شعر اول قطعه و مصرع اول رباعی نقل می‌شود:

مقطعات

به‌خردان مفرمای کار درشت که سندان نشاید شکستن به‌مشت

*

دل ز کف رفته بود و کار از دست خیره نتوان گذاشت یار از دست

*

شنیده‌ام که درین روزها کهن پیری خیال بست به‌پیرانه سر که گیرد جفت

*

ای که پرسیدیم از حال بنی آدم و دیو من چرا بیت نگویم که دل از کف ببرد

*

| | |
|---|---|
| بسی سال باید نگهداشت مرد | که روزی به کار آیدت در نبرد |
| * | |
| عدو را به کوچک نباید شمرد | که کوه گران دیدم از سنگ خرد |
| * | |
| خردمند باشد جهان دیده... د ^۱ | که بسیار گرم از خودست... د ^۲ |
| * | |
| اگر نیک دستی مرو پیش یار | اگر سیم داری بیا و بیار |
| * | |
| بلغت عظیم القدر اعزالوری | و قدرک عند الله اعلی و اجمل |
| * | |
| از اندازه بیرون مرو پیش زن | نه دیوانه‌ای تیغ بر خود مزن |
| * | |
| تا دل دوستان به دست آری | بوستان را به زر فرختن به |
| * | |
| آن روز که خط شاهدت بود | صاحب نظر از نظر براندی |
| * | |
| رعیت درخت است اگر روزی‌یی | به کام دل دوستان بر خوری |
| * | |
| طعام ار لطیف و اگر برسری | چو دیرت به دست او فتد خوش خوری |

رباعیات

خیری که برآیدت به توفیق از دست
 در حق کسی کن که درو خیری هست
 و زانک به خون مردمان تشنه نه‌ای
 شمشیر مده به دست دیوانه و مست
 در نسخه‌های فروغی و آشتیانی دو مصرع اوّل این رباعی در ذیل مفردات داده شده
 است، در صورتی که در نسخه تورانشاهی این به صورت رباعی آمده است:

۱. هرچه سعی کردیم، این لفظ خوانده نشد.

۲. خوانده نشد.

زنده شود هر که نزد دوست بمیرد

*

فراق یار به یک بار بیخ صبر کند

*

کس با تو مخالفت بتواند

*

گر من شبکی زان تو باشم چه شود^۱

*

ای راهروان را گذر از کوی تو نه

رباعی ذیل در نسخه تورانشاهی و آشتیانی «دیوار چه حاجت که منقش بودی» در نسخه‌های فروغی و آشتیانی این طور آمده است:
دیوار چه حاجت که منقش باشد

مفردات

مروّت نباشد برافتاده زور برد مرغ دون دانه از پیش حور

*

من سخن راست نبشتم اگرش راست بخوانی

فقط مصرع دوم

کافتند که بار دگر بر خاک ما گذری؟

در نسخه‌های فروغی و آشتیانی و بمبئی این بیت در مفردات داده شده است:
خیری که برآیدت به توفیق از دست در حق کسی کن که درو خیری هست
در صورتی که در نسخه خطی تحت رباعیات آمده و دو مصرع آخر آن ضمن
رباعیات داده شده است.

علاوه بر این در نسخه‌های فروغی و آشتیانی و بمبئی این شعر «مردی نه به قوت
است و شمشیر زنی» در نسخه تورانشاهی این طور آمده است:

۱. این رباعی در نسخه چاپی بمبئی آمده است (کلیات مصلح‌الدین سعدی شیرازی، مطبع محمدی، بمبئی، رجب ۱۳۸۱ ه/دسامبر ۱۹۶۱ م).

مردی نه به‌قوت است و شمشیر زدن

نسخه آشتیانی شامل مثنوی «کریم» است که در نسخه‌های تورانشاهی و فروغی نیست. غالباً سعدی گجراتی مصنف این مثنوی است. سعدی گجراتی معاصر سعدی شیرازی بوده یا پس از وی متولد شده است. مؤلف خمخانه جاوید تفصیلاً درباره این شاعر نوشته است. وی هم فکر می‌کند که شاید همین سعدی گجراتی مثنوی «کریم» را تصنیف کرده است.^۱

در آخر از آقای دکتر مهدی خواجه پیری، رئیس مرکز میکروفیلم نور تشکر می‌نمایم که این نسخه گرانها را در اختیار بنده گذاشتند و در تصحیح متن خیلی کمک فرمودند.

منابع

۱. سری رام، لاله: تذکره هزار داستان، معروف به‌خمخانه جاوید، جلد چهارم، همدرد پریس، دهلی، ۱۹۲۶ م.
۲. سعدی شیرازی، شیخ مشرف‌الدین: کلیات سعدی شیرازی، مطبع محمدی، بمبئی، رجب ۱۳۸۱ ه/دسامبر ۱۹۶۱ م.
۳. غنی، دکتر قاسم: تاریخ عصر حافظ، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۶۶ ه.ش.

۱. لاله سری رام: تذکره هزار داستان، معروف به‌خمخانه جاوید، جلد چهارم، همدرد پریس، دهلی، ۱۹۲۶ م، ص ۱۹۴.